

موزه خراسان بزرگ:

موزه برای فردا پست و پکم

فرهاد جواهریان - فریدون تپدر

Greater Khorassan Museum: A Museum for the 21st Century

Faryar Javaherian

«موزه بزرگ خراسان» اکنون وارد چهاردهمین سال عمر خود شده است؛ از سال ۱۳۷۹ که مرحوم دکتر میرفندرسکی برندهٔ مسابقه‌ای ملی شد تا امروز که ۹۰٪ بنای آن تکمیل شده است. از ابتدا مشکلاتی با نام این موزه داشتیم و پیشنهاداتی به شش رئیس قبلی میراث فرهنگی خراسان مبنی بر تغییر نام موزه از «موزه بزرگ خراسان» به «موزه خراسان بزرگ» ارائه دادیم. اما هنوز هم اطمینانی از تغییر نام این موزه نداریم و نمیدانیم تا زمان بهره برداری از موزه عمری باقی است که مجدداً تذکر بدهیم. «موزه بزرگ» چه مفهومی دارد؟ آیا به معنای ساختمانی عظیم است؟ اما «موزه خراسان بزرگ» (Greater Khorassan Museum) مفهوم روشن‌تری دارد، به معنای دربرگیرنده پهنه وسیع جغرافیایی خراسان در طول تاریخ، از ماورالنهر تا ازبکستان، تاجیکستان، افغانستان و قسمت‌هایی از ترکمنستان. مهندس بهشتی ذکر کردند که: «موزه خراسان باید نشان بدهد که خراسان چه گونه منطقه‌ای بوده است». آیا می‌شود مرو، بلخ، سمرقند و بخارا را از موزه خراسان حذف نمود؟

ما کجا، موزه کجا؟

شرکت ما - مهندسمین مشاور گام ما - ۸ سال است که مشغول مطالعه، برنامه‌ریزی و طراحی موزه است. اولین پروژه موزه‌ای این شرکت، مطالعات برای موزه منطقه‌ای آذربایجان شرقی بود که زمینی به مساحت ۲۸۰۰ متر مربع در شلوغ‌ترین نقطهٔ تبریز، نزدیک به بازار و در جوار ترمینال اتوبوسرانی، برای این پروژه در نظر گرفته شده بود. پس از مطالعات مکان‌یابی، میراث فرهنگی زمینی به مساحت ۴ هکتار در بلوار شهريار برای احداث موزه در نظر گرفت که در نهایت ۲ هکتار از زمین مربوطه را توانست بگیرد.

سپس طراحی مخزن امن موزه آذربایجان شرقی به این مشاور محول شد. به منظور انجام این کار مشاور یک هفته - با ارتباطات و هزینه شخصی - با مسئول اموال موزه بریتانیا Anthony Spence (British Museum) به بازدید و بررسی مخازن امن آن موزه پرداخت و حتی توانست نقشه‌های جدید مخزن امن، طراحی شده توسط شرکت Arup را بازبینی کند و کاتالوگ‌های تمامی تجهیزات مخازن امن موزه بریتانیا را با خود به ایران آورد. طرح اولیه مخزن امن که ۳۰۰۰ متر مربع زیر بنا داشت با چشم اندازی ۵۰ ساله طراحی شده بود، اما متأسفانه به

۱۵۰۰ متر کاهش یافت و بدون نظارت مشاور به اجرا رسید.

سومین پروژه موزه‌ای، طرح مرمت موزه آذربایجان بود که توسط آندره گدار طراحی شده بود. در این پروژه نیز فقط آمفی‌تئاتر، مجدداً بدون نظارت مشاور، به اجرا رسید. طرح و اجرای مرمت زیرزمین موزه ملک شامل مخازن امن، آمفی‌تئاتر، فضاهای نمایشگاهی و دفاتر اداری و دفاتر مدیریت در طبقه همکف.

مطالعات موزه منطقه‌ای اصفهان، مطالعات و طرح موزه راه‌آهن تهران، طرح موزه مشاهیر و مفاخر، سه طرح مختلف برای احداث سه موزه مختلف در محل ساختمان مرکزی میراث فرهنگی کشور، که طراحی آن ساختمان توسط حسین امانت انجام گرفته بود، نیز از دیگر فعالیت های مشاور در زمینه طراحی موزه محسوب می‌شود. در اسفند ماه سال ۱۳۹۱، امکان بازدید از بزرگترین موزه های آمریکا در پنج شهر مختلف و مشورت با همتایان خود در این زمینه فراهم آمد. در این سفر علاوه بر موزه داران با افراد متخصص در زمینه‌های نورپردازی، ساخت ویتزین، شیوه‌های جدید مدیریتی - برنامه‌ریزی و ... تبادل نظر نموده و از نظریات ایشان بسیار بهره‌مند شدیم. در نتیجه تمامی این تجربیات در طراحی و اجرای موزه خراسان به کار گرفته شده‌اند.

تاریخچهٔ طراحی موزه بزرگ خراسان

در سال ۱۳۸۶ هنگامی که که آقای مکرمی فر رئیس میراث خراسان بودند و دکتر میرفندرسکی در قید حیات، از ما دعوت شد که رزومه شرکت خود را جهت تکمیل معماری داخلی و خارجی موزه به میراث خراسان ارائه نمائیم، که ما ازین کار پرهیز نمودیم، اما پس از فوت دکتر میرفندرسکی و اصرار میراث فرهنگی خراسان، هنگام ریاست آقای لشگری، این کار را پذیرفتیم و در بهمن ۱۳۸۸ طراحی معماری داخلی،

تکمیل موزه، محوطه‌سازی و طرح محتوایی این موزه به ما سپرده شد. در طول مدت دو سال (۹۰ و ۸۹) و طی جلسات متعدد با کارفرما و همکاران ابردشت، نقشه‌های معماری داخلی مورد بررسی قرار گرفتند، و پس از تغییرات لازمه توسط آن دو گروه به تصویب رسیدند. در اسفند ۱۳۹۰ پس از خروج مهندسان مشاور ابردشت از پروژه، فعالیت‌های اجرایی موزه به مهندسان مشاور گام ما سپرده شدند.

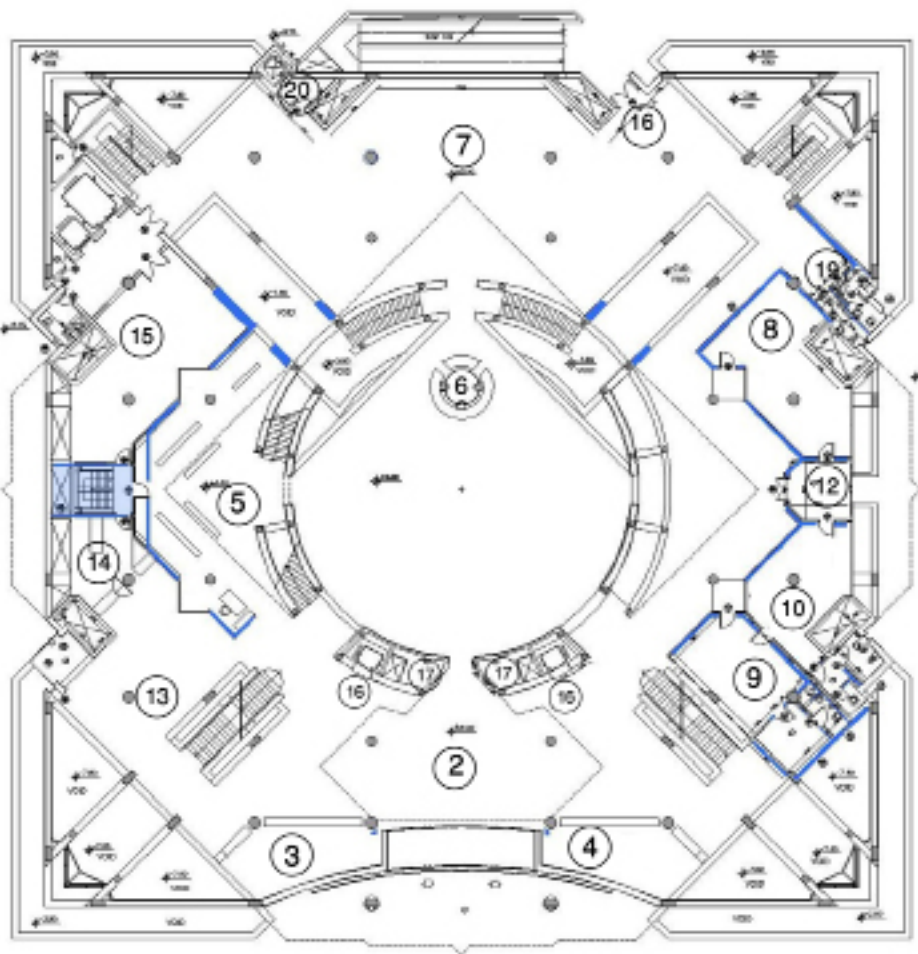
مرحوم دکتر میرفندرسکی این بنا را مستقیماً از کاخ خورشید کلات نادری الهام گرفته و عملکرد آن را به طور کامل شبیه یک فرهنگسرا دیده بودند. تغییراتی که در نقشه‌ها اعمال شدند به این منظور بود که بنا عملکرد یک موزه را پیدا کند. به عنوان مثال فضاهای نمایشگاهی از ۳۰۰۰ متر مربع به ۵۵۰۰ متر مربع ارتقاء یافت. تداوم مسیر حرکت بازدید کننده از مهم‌ترین معیارهایی بود که در تغییرات اعمال شدند. بررسی تطبیقی نقشه‌های ابردشت و گام ما به خوبی نشان می‌دهد که چه تغییراتی در طرح موزه بزرگ خراسان صورت گرفته است.

مخزن این موزه در زیر زمین سوم قرار دارد و تمامی کاربری‌های مربوط به آن، مانند مرمت اشیاء آلی و معدنی و پژوهش بر روی اشیاء در همین طبقه جانمایی شده‌اند. همچنین در این طبقه فعالیت های مربوط به آماده سازی نمایشگاه، بسته‌بندی و دریافت اشیاء که قبلاً در نقشه ها وجود نداشت، متمرکز شده اند. ونیز دفتر و استراحتگاه امین اموال در این طبقه قرار گرفته است . انبارها به دو منطقه کم رطوبت و پر رطوبت، بسته به نیاز جنس اشیاء، تقسیم شده اند. فضایی جهت پژوهش قبل از هر انبار پیش‌بینی شده است. تعداد زیادی انبارهای عمومی جهت گسترش انبارهای خاص مورد نیاز آینده تعبیه شده‌اند. تغییرات بسیار اندکی در زیرزمین دوم صورت گرفته است. پیش‌بینی فضائی جهت برگزاری کنسرت و تئاتر باعث شد که تعدادی فضاهای پشتیبانی صحنه جانمایی شوند، همچنین فضای بزرگ چند منظوره‌ای

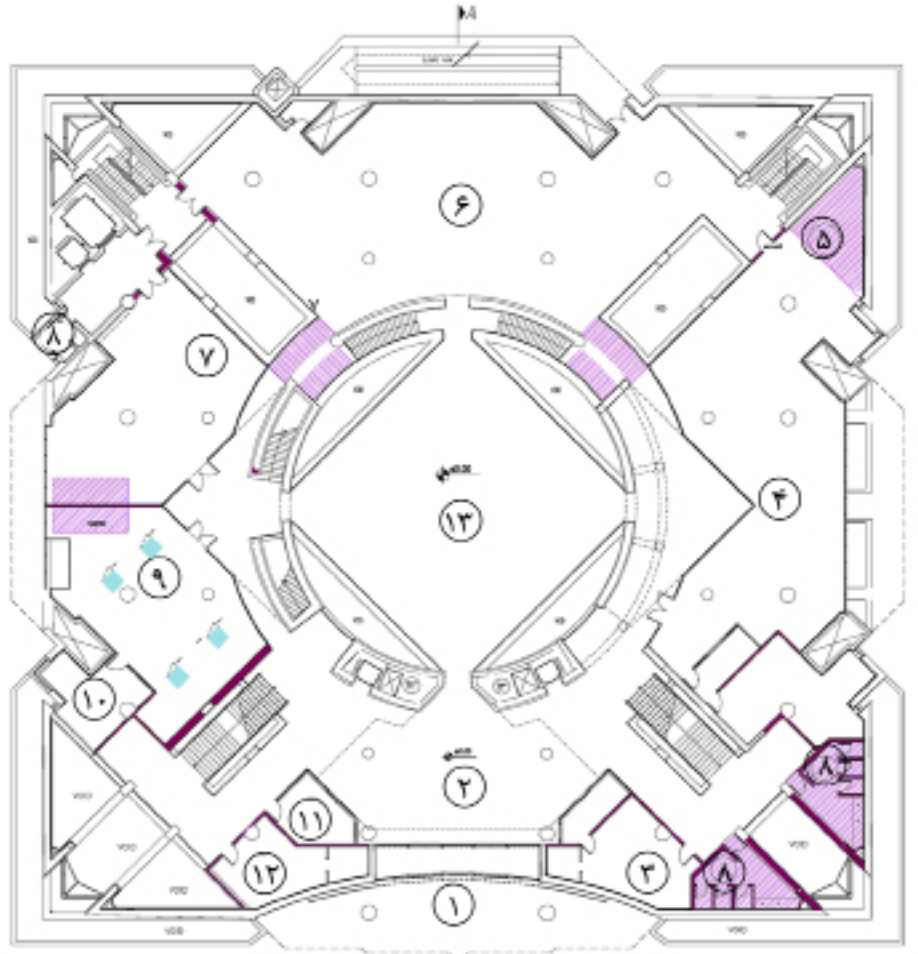


نمای موزه در بارک کوهسنگی





ابردشت



بررسی تطبیقی نقشه‌های همکف

راهنما : پلان طبقه همکف

- ۱ ورودی اصلی
- ۲ سال اصلی
- ۳ مانیتورینگ
- ۴ نگهداری وسایل مراجعین
- ۵ فروشگاه موزه-کتاب و مصنوعات
- ۶ اطلاعات و راهنمایی
- ۷ تالار اصلی دوران اسلامی
- ۸ اتاق معاون و دفتر اداری
- ۹ مدیر گنجینه و اتاق جلسه
- ۱۰ اتاق منشی
- ۱۱ اتاق استراحت رئیس
- ۱۲ ورودی کارکنان
- ۱۳ چاپخانه
- ۱۴ تدارکات چاپخانه
- دیوارهای تخریبی

ابردشت

راهنما : پلان طبقه همکف

- ۱ ورودی اصلی
- ۲ فضای معرفی موزه
- ۳ نگهداری وسایل مراجعه کنندگان و فروش بلیط
- ۴ کتابخانه
- ۵ محل پژوهش و اینترنت
- ۶ چاپخانه
- ۷ فضای بازی کودکان
- ۸ سرویس بهداشتی
- ۹ فروشگاه موزه
- ۱۰ دفتر و انبار فروشگاه
- ۱۱ راهنمایی موزه
- ۱۲ اتاق نگهداری-مانیتورینگ
- ۱۳ نمایشگاه فصلی

گام ما

جهت استفاده سینماتک یا پژوهشگاه که از آمفی تئاتر نیز بتواند استفاده کند، تعبیه شده است. دسترسی معلولین به صحنه آمفی تئاتر نیز که فراموش شده بود، میسر شده است. دیوارهایی که جلو گردش کامل دور سیلندر را می‌گرفتند تخریب گردید و بدین سان تداوم بازدید نمایشگاه‌های مختلف در این طبقه فراهم شد.

زیرزمین اول کاملاً به بخش اداری موزه اختصاص داده شده است. قسمتی که به راهروی طبقه ۲ دید دارد جهت نمایش آثاری است که به تازگی خریداری شده‌اند. فضاهای مرمت به زیرزمین سوم منتقل شده است و در عوض فضاهای اداری جهت دفاتر موزه‌داران (Curators) احداث شده‌اند. کافه تریا و دفاتر ریاست و معاونت توسط پارتیشن‌های شیشه‌ای و فضاهای میانی جهت انتظار، از راه‌های عبور (Circulation) جدا شده‌اند. سایر فضاهای اداری مورد نیاز در یک موزه با این ابعاد در همین طبقه گنجانده شده‌اند.

در طبقه همکف بیشترین تغییرات اعمال شده‌اند. ورودی موزه‌های تراز اول جهان، اکنون شبیه لابی هتل‌ها عمل می‌کند و همه فضاهای خدماتی عمومی در آن گنجانده می‌شوند. بخش اداری به زیرزمین اول منتقل شده و ورودی مستقل آن حذف شده است زیرا کنترل ورودی‌های متعدد در موزه کار دشواریست. اکثر موزه‌های تراز اول جهان یک ورودی اشخاص و یک ورودی اشیاء دارند. از این رو کلیه ورودی‌های جانبی در موزه حذف شده‌اند. خروجی به رمپ در هر طبقه به صورت خروجی اضطراری عمل می‌کند. پیشخوان فروش بلیط با رختکن و توالت‌های عمومی، پیشخوان راهنمایان موزه با فضای حراست و مانیتورینگ کار می‌کنند. فروشگاه موزه محصور شده است (با پارتیشن‌های شیشه‌ای) و فضایی جهت نگهداری کودکان و بازی آنان تعبیه شده است. کتابخانه و پژوهشگاه اینترنتی در یک فضای بزرگ با دید به پارک جانمایی شده است. سایر فضاها به کاربری‌های معرفی نمایشگاه‌های موزه، نمایشگاه های فصلی و چاپخانه اختصاص دارند. ورودی موزه برای معلولین از طریق دو شیب راهه میسر گردیده است.

در طبقه اول تغییرات بسیار کمی اعمال شده‌اند. بالکن طولی بالای ورودی اصلی موزه قرارداداشت که حذف شد و به فضای داخلی نمایشگاهی تبدیل شد.

در طبقه دوم نیز تغییرات بسیار اندک هستند. چهار پل ارتباطی اضافه شده‌اند که به عبور دورتا دور سیلندر تداوم می‌بخشند.

در طبقه سوم فضای نمایشگاهی بسیار کوچک است و اطاق‌های هواساز ۳/۴ فضاها را اشغال کردند. درب‌هایی که به پشت بام‌های این طبقه راه داشتند - بازارچه‌های هنری در نقشه‌های ابردشت - کاملاً مسدود شده‌اند زیرا این کاربری برای پشت بام‌های موزه مناسب نبودند.

در نقشه طبقه هفتم ابر دشت یک ساعت عظیم آفتابی قرار داشت که به درخواست کارفرما حذف گردید و یک کافه - چاپخانه به جای آن تعبیه گردید.

موزه‌های قرن بیست و یکم

پس از انجام مطالعات گسترده در مورد موزه های تراز اول جهان، به این نتیجه رسیدیم که هر موزه ای باید این پنج رکن را داشته باشد:

ارزش‌های بنیادین

اهداف بنیادین یا رسالت

چشم‌انداز

سیاست‌های راهبردی جهت رسیدن به آن رسالت و چشم انداز

انعطاف‌پذیری

ارزش‌های بنیادین هر موزه در کشور ما باید ارزش‌های ایرانی- اسلامی باشند، که به‌صورت بسیار شاعرانه در مقالهٔ مهندس بهشتی «معنا و ماهیت موزه» بیان شده‌اند (مجله موزه‌ها، ۱۳۸۷). به گفتهٔ وی، موزه‌های ما باید رابطه‌ای «از جنس انس و آشنائی» با مخاطب خود برقرار نمایند. رسالت موزه خراسان، به گفتهٔ مهندس بهشتی، نشان‌دهنده جایگاه خراسان و ماهیت خراسانی‌ها در طول تاریخ است. چشم‌انداز موزه های سراسر جهان این است که مخاطبان‌شان نقش فعال‌تری در موزه پیدا کرده و تعامل بیشتری با موزه داشته باشند. موزه‌های قرن بیست و یکم interactive هستند و باید مخاطبان خود را «درگیر» سازند. سیاست‌های راهبردی موزه‌ها می‌بایست توسط سازمان میراث فرهنگی تدوین شوند و توسط مدیران موزه هایمان اعمال گردند. در فقدان چنین سیاستی، مشاور مطالعاتی در زمینهٔ «اعتبارسنجی موزه‌ها» انجام داده است (خرداد ۸۸). مهم‌ترین معیار اعتبارسنجی یک موزه، تعداد بازدیدکنندگان از آن موزه است و چهار عنصری که تعداد بازدید کنندگان را رقم می‌زند عبارتند از: کیفیت و کمیت مجموعهٔ متعلق به موزه، رویدادهای نمایشگاهی و فرهنگی که در موزه اتفاق می‌افتد، معماری ساختمان موزه و شیوهٔ مدیریت موزه. انعطاف‌پذیری، چه در ساختمان موزه، چه در شیوه‌های مدیریتی از این رو مهم است که تغییرات فن‌آوری و سلیقه‌ای مخاطبان با سرعت دو چندان در قرن بیست و یکم رخ می‌دهند و نمی‌توان پیش‌بینی‌های دقیق برای آینده نمود.

متأسفانه در برنامه‌ریزی موزه خراسان، ابتدا بنای موزه ساخته شده بود و سپس طرح محتوایی آن به مشاور سفارش داده شد، در صورتی که می‌بایست روندی معکوس اتخاذ شود و از این نظر طرح محتوایی کاملاً و به طور مشخص محدود شده است. علی رغم تمامی محدودیت‌ها، مشاور نهایت تلاش خود را نمود تا سازماندهی فضایی مورد قبول و انعطاف‌پذیری به وجود آورد.

جهت تدوین طرح محتوایی تصمیم بر آن شد تا مطالعات به صورت بنیادین و پایه‌ای شکل پذیرد، بنابراین نخست از مطالعات تاریخی خراسان بزرگ آغاز کردیم، سپس تاریخ هنر خراسان را به صورت مبسوط مورد بررسی قرار دادیم و از این میان با تکیه بر اسناد و شواهد تاریخی به دوره‌های هنری طلایی و درخشان خراسان که بیش از سایر دوره‌ها شکوفایی داشتند، یعنی دوره‌های اشکانی، ساسانی و تیموری بیشتر پرداختیم تا راهگشای انتخاب اشیا باشد.

از لحاظ پوشش دوره‌های تاریخی، با ریاست کل موزه‌های وقت، سرکار خانم گرگانی و اعضای شورای فنی، مقرر گردید که بهتر است موزه‌های منطقه‌ای تا پایان دوره‌ی قاجار را پوشش دهند و فرض بر این باشد که با شروع سلسله پهلوی دوران معاصر آغاز می‌گردد که امکان مرور این دوره در موزه‌های معاصر نیز میسر است. تصمیم دوم همین گروه با هدف ارتقا بخشیدن به موزه‌های منطقه‌ای، و با این فرض که موزه‌ها در ۵۰ سال آینده می‌توانند تبدیل به موزه‌های جهانی شوند - به خصوص در خراسان که شامل منطقه‌ای بسیار وسیعی است - این فکر شکل گرفت که از اشیای پیش پا افتاده باید پرهیز نمود، به خصوص در بخش مردم‌شناسی.

به طور کلی نمایشگاه‌های موزه خراسان به دو گروه تقسیم می‌شوند: نمایشگاه‌های شیء محور و نمایشگاه‌های تخصصی - مفهومی.

نمایشگاه‌های شیء محور می‌توانند با شیوه‌های نمایشی با وقار و گاه دراماتیک همان زمینه شهودی را که مهندس بهشتی مد نظرشان هست، ایجاد نمایند. کیفیت بالای نمایشی، انتخاب اشیا، ویتترین‌های منحصر به فرد، نورپردازی صحیح و جذاب و اطلاع رسانی کامل (چه از طریق نوشتاری و چه از طریق سمعی - بصری)، همهٔ این عوامل در به‌وجود آوردن یک رابطهٔ «روشن و آنسی» بین مخاطب و شی کمک می‌کنند. نمایشگاه‌های تخصصی - مفهومی می‌توانند شامل فناوری‌های interactive باشند و دائم به صورت فصلی تغییر یابند. پویایی موزه در برگزاری نمایشگاه‌های مخاطب محور و متغیر است. اگر مخاطبی در سال چندین مرتبه به موزه مراجعه کند به این معنا است که مدیریت موزه موفق بوده است و نهایتاً بازدیدکنندگانی که تبدیل به مشتریان دائمی می‌شوند، ستون فقرات موزه‌های جدید را تشکیل می‌دهند.

در دو دهه اخیر تعداد موزه‌های ساخته شده در جهان، برابر با تمامی موزه‌هایی است که در طول ۲ قرن گذشته بنا شده‌اند و این نشان می‌دهد که موزه‌سازی در سراسر جهان از چه اهمیتی برخوردار است، به اعتقاد ما، معماری فرهنگ‌زاست و در میان همهٔ بناها، عمارت موزه فرهنگ‌سازترین است. در کشورهای غربی اکنون موزه‌ها شباهت زیادی به دانشگاه دارند و می‌توان گفت که موزه‌ها نقش «کارخانه‌های فرهنگ‌سازی» را ایفا می‌کنند. کتابخانه، پژوهشگاه، کارگاه‌های آموزشی، سالن‌های نمایش و همایش، کاربری‌هایی هستند که در موزه خراسان به این بعد فرهنگ‌سازی می‌پردازند. در این مجموعه، عملکرد مخزن امن نیز می‌تواند نقش مهمی داشته باشد، زیرا متخصصین

ویتترین مخصوص موزه خراسان جهت نمایش عناصر ستاره‌شناسی

می‌توانند به بخش‌های مختلف گنجینه رجوع کنند، به همه اشیا دسترسی داشته باشند و مطالعات خود را در محیطی مطبوع در جوار اشیا انجام دهند.

در کل ساختمان این موزه بسیار شبیه معماری لوئی کان است که از معماران الهام بخش مرحوم میرفندرسکی بوده است. معماری لوئی کان بسیار تعالی بخش (transcendental) است و می‌توان گفت که ما نیز با معماری داخلی سعی نمودیم این حالت را تقویت کنیم. آینه‌کاری‌ها، نورپردازی، سطوح شفاف شیشه‌ای و کتیبه گچ‌بری شده دور سیلندر همه کوششی هستند در جهت ارتقای این تملو. اما نهایتاً موزه مسجد نیست. متأسفانه معماری اتخاذ شده برای موزه خراسان زیاد انعطاف‌پذیر نیست و حرکت دایره وار برای بازدیدکننده‌گان بسیار گمراه کننده است. موزه‌های جدیدی که در قرن بیست و یکم ساخته شده اند اکثراً به صورت خطی (linear) طراحی شده‌اند. دو موزه جدید از رنزو پیانو در لوس آنجلس و شیکاگو را بازدید و بررسی کردیم که در همین راستا طراحی شده‌اند و رنزو پیانو به عنوان بهترین طراح موزه در میان نظر سنجی از موزه داران غربی انتخاب شده است.

طراحی یک ساختمان (ظرف) قبل از اینکه بدانیم داخل ساختمان چه قرار خواهد گرفت (مظروف) اشتباه است. مثل این است که یک دیس تخت را برداریم و حالا بخواهیم درونش آش سرو کنیم. علازقم محدودیت‌های متعدد، مشاور تمام کوشش خود را نموده است که موزه خراسان بزرگ توانائی تبدیل شدن به موزه‌ای آشنا و آنسی و در ضمن قرن بیست و یکمی را دارا باشد.



مخزن امن موزه خراسان در زیرزمین سوم



گنبد آینه‌کاری شده



سه نما از سیلندر مرکزی

